

بنیادگرایی کلاسیک نوع آمریکائی

کلاوس کینتسler در کتاب «بنیادگرایی دینی در مسیحیت، یهودیت و اسلام»، چاپ چهارم سال 2002، به بررسی ریشه های بنیادگرایی می پردازد. کینتسler با اطلاعاتی ژرف، دیدی وسیع و بی طرفی علمی به پژوهش پیرامون این واژه به منظور دستیابی به ماهیت این پدیده دینی در سه ادیان بزرگ می پردازد. او استاد رشته ادیان شناسی در دانشگاه آوگسبورگ/آلمان می باشد. نویسنده دارای آثار علمی با ارزشی در رابطه با پیدایش بنیادگرایی و فلسفه ادیان می باشد. مطالعه آثار او برای درک پدیده بنیادگرایی بسیار آموزنده می باشند. در ذیل ترجمه بخش سوم کتاب فوق تحت عنوان: «بنیادگرایی دینی کلاسیک در امریکا»، ص. 28 تا 34 در اختیار خوانندگان قرار داده می شود.

برگردان: عزیز فولادوند، کلن/آلمان (afoolad@freenet.de)

منبع: Klaus Kienzler: Der religiöse Fundamentalismus – Christentum, Judentum und Islam
یکشنبه ۲۱ آبان ۱۳۸۵ (12 نوامبر 2006)

بنیادگرایی دینی کلاسیک در امریکا

بنیادگرایان مذهبی نوع آمریکائی در قاره ای دیگر با فاصله بسیار زیادی از ما بسر می برند. با این وجود ما توانستیم چندین سال پیش در کشور آلمان شاهد تصویر هر چند کوچکی از فعالیتهای این جریان باشیم. موعظه گر نامدار بابتیستها، بیلی گراهام، (Billy Graham)، از تاریخ 12 تا 21 مارچ 1993 در شهر اسن/آلمان (Essen) اقدام به برگزاری جلسه بزرگ مسیحیان نمود که نام "پرو کرایست 93" (Pro Christ 93) را بر آن نهاده بود. او پنج روز در سالن اجتماعات گروگا (Gruga-Halle)، جائیکه 42.000 نفر جمع شده بودند، موعظه می کرد. موعظه های او در این جلسات توسط ساتلایت کوپرنیکوس (Kopernikus) برای 1400 نقطه در 56 کشور جهان مستقیماً گزارش می شد. فقط در کشور آلمان بیش از 250 نقطه در تماس مستقیم با او قرار داشتند. موعظه های او در سالنهای بزرگی برقرار می شد که در آنها پرده های پهناور دیواری آویزان بود. در جلسه سخنرانی مددکارانی حضور داشتند که وظیفه اشان برقرار کردن ارتباط مستقیم با حضاری بود که ارشادهای واعظ را به گوش جان می خریدند و تلاش داشتند دروازه های قلب خود را برای پذیرای مسیح باز نمایند. در مجموع احتمالاً نزدیک به 10 میلیون بیننده این جنجال بزرگ خبری را دنبال کردند. در واقع بیلی گراهام 76 ساله [در زمان تألیف کتاب در سال 2002، م.] در جرگه بنیادگرایان ناب قرار ندارد، او خود را از جریانات بنیادگرایی نوع آمریکائی کنار کشیده و در حال حاضر هدایت گروه معروف به "انجیلیان نوین" را عهده دار می باشد. ولی شیوه برگزاری و اداره جلسه موعظه در آلمان تصویری از آن آتمسفری را منعکس نمود که ویژه بنیادگرایی نوع آمریکائی می باشد. علاوه بر این بیلی گراهام جزو اولین کسانی است که کلیسائی معروف به "کلیسای الکترونیک" را برای تحقق بخشیدن به اهداف مسیحیت کشف نموده و در این راه از آن استفاده می کند. این متد ابلاغ و اشاعه دین ریشه در جنبشهای بیداری قرن اخیر دارد. سابقاً کلیساهای بزرگ اروپا با برگزاری چنین جلسات جنجالی خیلی محتاطانه برخورد می نمودند. آنها امروزه [با این موضوع] بازتر برخورد می کنند. این بار تعداد زیادی از کلیساهای پروتستان بیلی گراهام را مورد حمایت قرار دادند.

بنیادگرایی در امریکا:

دخست ما روند شکل گیری و گسترش بنیادگرایی را در روایت آمریکائی آن تعقیب می کنیم، قرائتی از بنیادگرایی که به حق می توان از آن به عنوان بنیادگرایی کلاسیک نام برد، زیرا بنیادگرایی در قرائت آمریکائی آن براندیشه های سیستماتیک کل جنبش بنیادگرایی دینی ظرتوی روشنگرانه می افکند. بنیادگرایان امریکائی به روشنی خود را در پلاتفرم مشترکی در چهارچوب "اصول" دین

(fundamentals) یگانه ای متشکل نموده اند. با نگاهی به تاریخچه پیدایش، شکل گیری و گسترش بنیادگرایی می توان روشنی متوجه شد که چگونه جنبش اولیه مذهبی به مرور زمان تمامی گرایشات و خطرات درون خود را به منصفه ظهور رسانده است؛ همان خطراتی که ما به بنیادگرایی نسبت داده آنرا با آنها تعریف می نمایم. گرایش بنیادگرایی نوع آمریکائی در این در تلاش نهفته است، که در فرای فراسوی آموزه های انجیل دستگاه کلیسای پروتستان، جنبش سیاسی سنتگرایی را سامان دهد که سعی دارد اراده خود را بصورتی ساختاری/سیاسی اعمال نماید.

ریشه های بوجود آمدن بنیادگرایی در امریکا به جنبش ارشاد انجیلی (Evangelika) در قرن نوزدهم بر می گردد. نه تنها کلیساهای منفرد به این جریان تعلق داشتند بلکه از درون آن جنبشهای مهمی از قبیل "جنبش دانشجویان مسیحی" و یا CVJM («انجمن های مسیحی مردان جوان») رشد یافته متکامل شدند. بروز کرد. بسیاری در انتظار بودند با آغاز هزاره ی دوم میلادی روز قیامت را شاهد باشند. ولی دیری نپایید که پرچم مخالفت با عصر نو را برافراشتند و مبارزه علیه مدرنیته را بر لوح خود نگاشتند. در حال حاضر نشانه های امید به یک وعده انجیلی در بین «انجیلیان» به چشم می خورد: اعتقاد بر این است که بزودی پادشاهی هزارساله آخر زمانی در امریکا فرا خواهد رسید. آنها ولی با یک چرخش، به مخالفت با عصر نوین پرداخته علم مبارزه با مدرنیته را برافراشته اند.

پنج اصول پایه ای بنیادگرایی:

امروزه هنوز در جنبش بنیادگرایی در امریکا بر سر بعضی از پرنسپهای بنیادی عقیدتی اجماع وجود دارد. این اصول همانا «بنیادها» می باشند (fundamentals)، اصول پایه ای فقهی که در تعارض با فقه مدرن، انتقادی و لیبرال دوران مدرن ایستاده و خود را از آن جدا نموده است. این اصول بدین شرحند:

- خطا ناپذیری مطلق متون دینی
- باکرگی مریم عذرا
- قربانی شدن جسم خداوند برای گناهان بشر
- رستاخیز جسمی
- بازگشت مسیح و برپائی پادشاهی هزارساله قبل از فرا رسیدن روز قیامت.
- در واقع اهمیت هر کدام از این نکات از درجه متفاوتی از اهمیت برخوردار می باشد. با نگاهی کوتاه به این لیست می توان قدرت انفجاری مهیب این اصول بنیادین به خوبی فهم نمود. این بنیادگرایی بطور عمده گرایش به مخالفت با موارد ذیل دارد:
- بر علیه نسبی کردن آتورینه انجیل که بر پژوهشهای انتقادی تاریخی استوار باشد؛ علیه فروکاستن عیسی مسیح به سطح و مرتبه ی صرفاً انسانی
- علیه زیر سؤال بردن داستان آفرینش انسان توسط خداوند که از جانب داروینیستها مطرح می گردد
- از طرف دیگر بنیادگرایان مسیحی درصدد روح انسانها را با ابلاغ خبر ظهور قریب الوقوع مسیح و برقراری حاکمیتش در روی کره ارض به تعالی رسانده آنها را رستگار نمایند.
- این بنیادگرایی در حین جنگ بین الملل اول به یک جنبش سنتی ناسیونالیست تندرو تبدیل شدند. در طول این دوران آنها آمیزشی از دیدگاههای اخلاقی، مذهبی و فلسفی را نمایندگی می کردند، افکاری که هنوز هم بر این جنبش حاکم است.

ضد مدرن بر علیه علم و دانش

کشمکش روی مسئله بنیادگرایی در دهه 20 قرن بیستم در جریان قضائی معروف به «پروسه میمونها» در شهر دایتون (Dayton) به نقطه اوج خود رسید. پس از اینکه معلم بیولوژی جان تی. سکاپس (John T. Scopes) علناً کلام مقدس انجیل و نظرات ضد داروینیسم بنیادگرایان را به باد حمله گرفت، جریان به دادگاه ارجاع گردید. هیچ اتفاقی به اندازه این پرونده در آن سال در کانون توجهات مردم قرار نگرفت. وکیل مدافع سکاپس موفق شد ویلیام ای اینینگ براین (William Jennings Bryan) - سیاستمداری معروف که قبلاً وزیر امور خارجه بود و وکالت بنیادگرایان را در پروسه

قضائی بعهده داشت - وادار به اعتراف نماید که این امر غیر قابل تصور است که خداوند جهان را در فاصله زمانی 6 روزه (هر روز 24 ساعت) آفریده باشد. با این اعتراف یکی از برجهای اصلی بنیادگرایان دچار تنش شدید گردید. از آن به بعد بنیادگرایی بعنوان جریانی مرتجع مطرح گردید و از آن زمان تا کنون امواج منفی بسیار زیادی را با خود به همراه داشته است. پیامد بعدی این جریان این بود که در بعضی از ایالتهای امریکا قوانینی به تصویب رسید که تدریس تئوری تکامل را در مدارس ممنوع نمودند.

این پروسه و کشاکش بیانگر مرحله نوبی بود که بنیادگرایی در آن قرار گرفته بود کشمکش قضائی یاد شده به روشنی مرحله ای را نشان می دهد که بنیادگرایی پا به صحنه گذاشت و خود را آشکار نمود؛ یعنی فازی که در روند آن بنیادگرایی [مسیحی نوع امریکائی] از اعماق حجره های بسته مذهبی به بیرون راه یافت. از این مرحله به بعد کشاکش به منظور تأثیر بر نهادهای دولتی و اجتماعی آغازین گرفت.

«کلیسای الکترونیکی» ناممکن را ممکن می نماید

در اینجا نمی توان به جزئیات شکل گیری و رشد این پدیده پرداخت. در آن سالها در باره اضمحلال بنیادگرایی بحث و گفتگو می شد و پایان کار آن را پیشگوئی می کردند. اما خلاف این ادعا در اواخر دهه 60 قرن بیستم به منصف ظهور رسید. این جنبش ابتدا در دهه 50 دوباره جانی تازه گرفت، بعد از اینکه موعظه گری به نام ویلیام گراهام از طریق دستگاههای مدرن ارتباط جمعی به شهرتی جهانی دست یافت. اتحاد بین بنیادگرایی دشمن مدرنیسم و دستگاههای مدرن ارتباط جمعی پدیده ای ویژه و نادر است که بسیار قابل توجه است و از ابتدای شکل گیری این جنبش وجه ممیزه آن بوده است. جنبش بنیادگرایی در طی سالهای 1910 و 1915 با کمکهای مالی سرشار پولداران قدرتمند موفق به انتشار مجله ای به نام «بنیادها، شاهدهی بر حقیقت» (The Fundamentals: A Testimony to the Truth) شد. این مجله با تیراژ بسیار بالا منتشر و بطور رایگان در بین کشیشها، اساتید، خادمین و همکاران کلیسا پخش میشد.

پس از سپری کردن یک دوره اضمحلال سیاسی و اجتماعی در دهه 70 ما بطور غیر مترقبه ای شاهد بروز رنسانس بنیادگرایی در امریکا هستیم؛ رنسانسی که نتیجه بلافصل آن ظهور جنبش معروف به «کلیسای الکترونیکی» در امریکا می باشد. از آن به بعد بنیادگرایان انجیل باور (انجیلیان) با در اختیار داشتن پول و با هوشیاری خاص به نحو احسن از تمامی شانسهای موجود بویژه رادیو و تلویزیون استفاده نمود. از آن زمان تا کنون انجیلیان متعصب بنیادگرا بطور مدام هرچه بیشتر رادیو و تلویزیون را به خدمت می گیرند. مشهورترین موعظه گران سرشناس عبارتند از: جری فال ول (Jerry Falwell) سخنگوی Moral Majority، پات ربرتسن (Pat Robertson)، گرداننده Christian Broadcasting Networks، و جیم باکر (Jim Bakker) از اعضاء Praise The Lord، که بدلیل تخلفات متعددی مجبور به استعفاء گردید و سمتش را به جیم سواگارت (Jim Swaggart) واگذار نمود. همچنین باید به نشریات تأثیر گذارند و پر مشتری مهمی مثل «جنگاوران صلیبی» Crusader اشاره نمود، که بصورت جزوه کوچکی در استیل داستانهای کمیکز (Comic) انتشار می یابد. این مجلات مرتب به «مکاتب انحرافی» لیبرالها می تازند و رستاخیز آخر زمانی عیسی مسیح را تبلیغ نموده. این نشریات اکثراً نمایندگان مواضع سیاسی شدت سنتی می باشند.

شانه به شانه سیاست:

یکی دیگر از نموده های صعود بنیادگرایی نوع امریکائی اتحادش با قطب سیاست در امریکا می باشد. جری فال ول از 1984 [سالهای اوج بحبوحه جنگ ایران و عراق. م.] برای یک اتحاد آشکار بین بنیادگرایان و نئومحافظه کاران وابسته به جمهوریخواهان تبلیغ می کند. این نحله فکری اعتقاد به ارسال یک پیام سماوی از جانب خداوند برای جهانیان دارد که در سرزمین امریکا آغاز یافته است. در یکی از جزوات تبلیغاتی به نام «پیام مسیح» (Christian Voice) متعلق به سازمان «راستگرایان جدید» چنین آمده است: «آمریکا به مثابه ملت و یک قوم در تاریخ کوتاه خود بعنوان مقتدرترین - و شاید هم آخرین - موطن ایمان، سرفراز و پایدار مانده است. خلقهای جهان این سرزمین را به عنوان «ملت

مسیحی» می‌شناسند. به این علت سرزمین آمریکا و مردمش هدف ویژه تعرضات شیطان قرار می‌گیرند و آنهم زمانی که شیطان در صدد است کل سیارهٔ خاکی و هر موجود زندهٔ روی آن را ببلعد. در این راستا هیئت حاکمهٔ رونالد ریگان تأکید ویژه ای داشت. آنطوریکه به نظر میرسد او اتحاد نوینی را بین سیاست، جنبش بنیادگرایی و سخنگویان آنها در وسائل ارتباط جمعی بوجود آورد. زمانیکه ریگان در سال 1998 بطور غیر قابل انتظاری به عنوان رئیس جمهور ایالت متحده انتخاب گردید، تحلیلگران انتخاباتی، عامل این پیروزی و بسیج نیروهای سنتنی راست از اردوگاه پروتستانها را روحانیون بنیادگرا و موعظه گران تلویزیونی می‌دانستند. در پشت صحنهٔ این نیروها قبل از همه جریانات سیاسی - مذهبی از قبیل Moral Majority و جنبش تازه تأسیس New Right صف کشیده بودند. این [وضعیت نوین سیاسی] باعث گردید که، بنیادگرایی در مرکز توجهات جهانی قرار گیرد، علی‌رغم اینکه بنا به ارزیابیها و پیشگوئیهای گذشته تصور می‌رفت که این جریان به هیچ عنوان وجود ندارد.

از این بعد بنیادگرایی به پدیده ای سیاسی تبدیل گردید. بنیادگرایان با شور و هیجان زاید الوصفی از بخشهایی از سیاست دولت ریگان استقبال کردند. یکی از فوندامنتالیسمهای صاحب منصب و پر آوازهٔ آلمانی در این باره چنین میگوید: «ریگان از همان ابتدا که بر علیه تئوری تکامل موضع گیری کرد و یا با سقط جنین مخالفت نمود و از برگذاری مراسم نماز و نیایش در مدارس دفاع می‌کرد، بخوبی می‌دانست که چه می‌خواهد. هیچ نیرویی غیر از نیروی خداوندی قادر نبود سیاست‌های متهورانه او را از سر آشویی سقوط نجات دهد.» (W. Gitt, Das Fundament, S. 165)

رونالد ریگان از فضای مناسب انتخابات به نفع خود بهره برداری نمود. او در یک سخنرانی که در یکی از برنامه های مبارزات انتخاباتی «جامعه ملی انجیلیان» ایراد نمود، چنین گفت: «من اعتقاد دارم که او [منظور خدا است] دست بکار شده، سرزمین متبرک ما را به سوی رستگار هدایت نماید.» و یا در بخش دیگر سخنانش: «چنین به نظر می‌آید که امریکا قدرت مذهبی و اخلاقی اش را به فراموشی سپرده و آن ارزشها و اعتقاداتی که به ما خیر و عظمت ارزانی داشته است، از دست داده باشیم. ... اما خدای قادر متعال که به ما این سرزمین را عطاء نمود، اختیار و آزادی را هم به ما ارزانی داشته است. یعنی توانایی تغییر سرنوشتمان در تحت سیطره خداوندی. امریکائیان مصمم هستند که اضمحلال دراز مدت تدریجی را متوقف نمایند. امروزه سرزمین ما شاهد رستاخیز آزادی و ایمان می‌باشد؛ رنسانس پر عظمت ملی.»

دینداری ناب

در این بین جنبش سیاسی بیداری بنیادگرایان در مقیاسی چشمگیر رشد یافته است: جری فال ول از جریانات «Moral Majority» و «Liberty Federation» دفاع می‌کند، جیم سواگرت و پات ربرتنس با جنبشهایی از قبیل «ائتلاف آمریکا برای ارزش‌های سنتی» (1) و یا «اتحاد سنتگرایان آمریکا» (2)، «تجدید نظر در قوانین مساوات» (3)، «جنبش دفاع از خانواده» (4)، «صدای مسیحی» (5) همکاری نزدیک دارند. حیطة موضوعات کار این تشکله عبارتند از: حمایت از خانواده، مبارزه بر علیه جنبش فمینیستی و بر علیه برابری زن و مرد، ممنوع کردن پرنوگرافی، پیگرد قضائی همجنسگرایان، اجراء مجازات اعدام، اجراء عملیات آتش سوزی و یا پرتاب بمب بر روی کلینیکهای سقط جنین.

در پایان موضوعات و سرفصلهای برجسته این فرم از بنیادگرایی نوع امریکائی را جمع بندی می‌کنیم: یک وطن پرستی مذهبی افراطی، اعتقاد به سیستم اقتصادی کاپیتالیستی و مالکیت خصوصی، دگماتیسم اخلاقی و تفکیک کاملاً روشن بین شر و خیر. دشمنان سرسخت این جریان عبارتند از: مدرنیسم، هومانیزم سکولار، تئوری تکامل، تقد انجیل، سوسیالیسم و کمونیسم.

پاورقیها:

- 1) American Coalition for Traditional Values
- 2) American Conservative Union

- 3) Equal Rights Amendment
- 4) Pro Family Movement
- 5) Christian Voice

